

گزارش



تاکید مسئولان بر اخراج اتباع

به‌تازگی مدیرکل اتباع استانداری کرمان از بازگردانده شدن ۸۵ هزار افغانستانی بدون مجوز اقامت به کشورشان خبر داده است. او گفته است از ابتدای سال گذشته تاکنون هیچ‌گونه مجوز اقامت جدید برای اتباع خارجی داده نشده و گاهی مجوزهای قبلی این مهاجران تمدید شده است. همچنین در این مدت تعداد قابل‌توجهی از مهاجران افغانستانی فاقد مجوز اقامت نیز به کشورشان بازگردانده شده‌اند. آن‌طور که او گفته است، امسال بازگرداندن افغانستانی‌های غیرمجاز با جدیت ادامه دارد و در نتیجه استان کرمان برای حضور اتباع فاقد مجوز، غیرمجاز و ناامن شده است.

سیروس دهقان‌شیری، مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری البرز هم گفته است که ۲۷هزار و ۵۰۰ تبعه خارجی غیرمجاز سال گذشته از این استان به کشور خود بازگردانده شدند. او به دستورالعمل‌های ابلاغی سازمان ملی مهاجرت در زمینه ممنوعیت به‌کارگیری اتباع خارجی غیرمجاز هم اشاره و تاکید کرده است کارفرمایانی که اقدام به جذب اتباع خارجی غیرمجاز کرده‌اند، طبق قانون روزانه هشت‌میلیون و ۸۹۰ هزار ریال جریمه خواهند شد؛ «به موجب ماده ۱۸۱ قانون کار، استخدام و به‌کارگیری اتباع خارجی فاقد مجوز کار در واحدهای کارگاهی ممنوع است و کارفرمایانی که اتباع خارجی غیرمجاز و فاقد پروانه کار را به کار گیرند، برابر قانون به مجازات حبس از ۹۱ تا ۱۸۰ روز محکوم می‌شوند».

نگرانی در بازار کار

یکی از نگرانی‌های حضور اتباع در ایران، به‌کارگیری این‌ نیروها در چرخه کار است و مخالفان حضور آنها معتقدند این افراد بازار کار را از دست ایرانی‌ها برده‌اند. به‌تازگی نماینده استان بوشهر در شورای عالی استان‌ها گفته است: «تن ایرانیان تا نیمه در تسلط‌های زبانه است، مهاجران افغانستانی مدیر ستوران و گل‌روشی می‌شوند». او همچنین نسبت به افزایش مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور و مهاجرت افغانستانی‌ها به داخل کشور، به نمایندگان مجلس و دولتمردان هشدار داد که این مهم را جدی بگیرند.

رکنا گزارش داده است که بر اساس آمارها چهارمیلیون و ۵۰۰ هزار مهاجر افغانستانی در کشور حضور دارند؛ ولی آمارهای غیررسمی نشان از حضور هشت میلیون نفر دارد. درحالی‌که بر اساس آمارهای سازمان جهانی مهاجرت ما پیش‌تر هم سالانه به‌طور متوسط ۵۰۰ هزار کارگر فضلی از افغانستان داشته‌ایم که بین ایران و افغانستان در رفت‌وآمد بوده‌اند؛ بنابراین آمار حضور افغان‌ها در ایران شناور است.

اختیار افغان‌هاست، تهدیدی برای اشتغال قشر تحصیل‌کرده نیست. افغان‌ها مشاغلی را در دست دارند که ایرانی‌ها کمتر به انجام آن تمایل دارند. سهم عمده افغانستانی‌ها در بازار کارهای کم‌مهارت است و دوم اینکه با این رقم دستمزد بسیاری از تحصیل‌کرده‌ها تمایلی به اشتغال با این میزان حقوق را ندارند. بسیاری از تولیدکننده‌ها گلایه دارند که نیروی کار ایرانی نیست و مجبور هستند کارگران افغانستانی به کار بگیرند. افغانستانی‌ها با همین حداقل دستمزد و کم‌ترش هم کار می‌کنند و نیروی کار ایرانی می‌روند سراغ مشاغلی مانند رانندگی در اسنپ که درآمد بیشتر داشته باشند.

خروج کودکان

از سوی دیگر موضوع خروج کودکان اتباع از تهران مطرح است؛ کودکان کار اتباع، احمدی‌صدر، مدیرعامل سازمان خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران، دراین‌باره گفته است: «کودکان کار ساماندهی شده به دو گروه دارای خانواده ایرانی و اتباع دسته‌بندی می‌شوند. آنهایی که خانواده دارند، تحویل پدر یا مادر شده و از آنها تعهد گرفته می‌شود که در صورت فعالیت مجدد در خیابان‌ها به‌طور قانونی با آنها برخورد خواهد شد. همچنین بنا بر برنامه‌ریزی، کودکان کار اتباع با همراهی اداره مربوطه رد مرز می‌شوند».

ضمن اینکه شهرداری تهران اعلام کرده است اکثر زباله‌گردها اتباع بیگانه هستند و با دستورات قضائی اخذشده آنها رد مرز شدند. مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری تهران توضیح داده است: «فعالیت اتباع فاقد مدارک هویتی و غیرمجاز به‌عنوان پاکبان در سطح شهر جرم و تخلف در قرارداد محسوب می‌شود. بنابراین در صورت فعالیت، از سوی شهرداری و همچنین پلیس امنیت با آنها برخورد خواهد شد».

بعد از ماجرای حادثه تروریستی کرمان و البته قتل داریوش مهرجویی و همسرش حساسیت‌ها نسبت به حضور اتباعی که مدارک هویتی ندارند و به‌صورت غیرقانونی در ایران هستند، بیشتر شد. بهمن سال گذشته عبدالله مبینی، رئیس سازمان ملی مهاجرت، به ایرنا گفته بود که به‌طور جد با اتباع غیرمجاز برخورد خواهیم کرد و حتی حضور یک نفر را برنمی‌تابیم. او به حادثه شاهچراغ هم اشاره کرده بود؛ «حوادث شاهچراغ و کرمان نشان داد نباید اغماض کنیم و به سازمان‌های بین‌المللی هم اعلام کردیم که تمامی اتباع خارجی غیرمجاز باید از کشور خارج شوند و به‌طور قاطع با حضور این افراد برخورد خواهیم کرد».

به گفته او، متأسفانه حوادث تلخی توسط اتباع خارجی رخ داد و زخم‌های عمیقی از سوی این افراد به کشور وارد شد. بنابراین عزم راسخ ما بر بازگرداندن تمامی اتباع خارجی غیرمجاز است و دراین‌باره برای هیچ گروهی تفاوت قائل نخواهیم شد.

یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار زن اتباع

او گفته بود که در آمار اتباع خارجی تغییری را شاهد نیستیم و حتی حدود نیم‌میلیون نفر نیز برای بازگشت خود را معرفی کردند که پس از ارجاع به مرزبانی به کشورهای متبوع خود منتقل شدند. ایرنا نوشته که به گفته مبینی درحال حاضر سه‌میلیون و ۵۰۰ هزار اتباع خارجی با ملیت‌های مختلف در کشور به‌صورت مجاز ساکن هستند که کارت شناسایی دارند؛ «از این تعداد حدود ۶۷۰ هزار نفر دانش‌آموز، ۱۷۰ هزار نفر دانشجو و حدود ۳۰۰ هزار نفر نیز کودک هستند».

رئیس سازمان ملی مهاجرت به جمعیت حدود یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفری زنان نیز در میان اتباع خارجی اشاره کرده است: «آمار ذکرشده جمعیتی با سن ۱۲ تا ۳۵ سال هستند که جوان و در کشور مشغول فعالیت هستند». او همچنین خبر داده است که تاکنون برای دو میلیون نفر از اتباع، کارت هوشمند صادر شده است؛ «درحال حاضر ۷۵ هزار نفر از اتباع در نوبت ثبت‌نام برای دریافت کارت هوشمند هستند و به‌طور متوسط روزانه حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر ثبت‌نام شده و کارت دریافت می‌کنند. این کارت دارای الزامات مختلف است و با اتصال به بانک و سامانه سیمکارتی می‌توان انواع خدمات را برای مهاجران ارائه داد که می‌تواند منشا جلوگیری از بسیاری از تخلفات باشد».

واکاو۱ حضور اتباع افغانستانی در ایران و تحلیل سیاست اخراج آنها در گفت‌وگو با مدیر پژوهش انجمن دیاران

نیازمند راه‌حل پایدار هستیم



مریم‌لطفی

ماجری حضور اتباع به‌ویژه افغانستانی‌ها در ایران یکی از موضوعات مهم است و معمولاً در سرخط خبرها. از ابتدای امسال دوباره موضوع بازگردان آنها به کشورشان داغ شده است؛ موضوعی که البته همواره موافقان و مخالفانی هم دارد. یمان حقیقت‌طلب، مدیر گروه پژوهش انجمن دیاران، در تشریح وضعیت فعلی حضور اتباع افغانستانی در ایران و سیاست اخراج آنها از کشور به «شرق» می‌گوید: «اگر با اخراج اتباع و اعمال خشونت کار تمام می‌شد و آنها دیگر به ایران برنمی‌گشتند، حرفی نبود؛ اما این‌طور نیست».

صدور ویزا در افغانستان با همکاری اداره اشتغال اتباع خارجی وزارت کار انجام شود که متأسفانه این اداره تا به الان منفل بوده و موضوع مجوزهای بعد از ورود هنوز در داخل ایران سروسامان نگرفته است. یعنی حتی اگر یک فرد افغانستانی با ویزا هم داخل ایران شود، بدون نظارت می‌تواند به هر جایی از کشور که خواست برود و بدون نظارت دستگاه‌های متولی مانند اداره اشتغال مشغول به کار شود که این حالت نیز آسیب‌زا است».

معضل تجمع در برخی نقاط

مدیر پژوهش انجمن دیاران موضوع تجمع اتباع در برخی نواحی را موضوع مهم و حساسیت‌برانگیزی می‌داند؛ «مثلاً حضور این افراد در جنوب تهران خیلی زیاد است. دلیلش هم این است که هیچ نظارتی روی این موضوع نیست. آنها خودشان خودبه‌خود جذب بازار کار ایران می‌شوند. تا زمانی که این پروسه اصلاح نشود، همچنان این معضل را خواهیم داشت. هر چقدر هم که خشونت بیشتر شود، موضوع بدتر می‌شود. ممکن است برخی از آنها از این موضوع کینه به دل بگیرند و عملاً نوعی دشمن‌پروری در کشور اتفاق بیفتد».

به عقیده او حضور اتباع بدون مدارک شناسایی در هر کشوری مضر است؛ «چون این افراد تحت نظارت نیستند، هیچ‌گونه برنامه‌ریزی هم برای آنها نمی‌تواند انجام شود. طبیعتاً آسیب‌های زیادی هم به بازار کار ایران وارد می‌کنند. چنان‌که گفته، حضور و تمرکز آنها در نقاط مشخصی مشهود است. این نشان می‌دهد هیچ‌گونه برنامه‌ریزی وجود نداشته و آنها خودشان دارند راه خودشان را پیدا می‌کنند. از سوی دیگر باید نیازهای بازار کار در ایران هم شناسایی شوند. هرچه باشد، این مهاجران دارند از طرف کارفرمایان ایرانی به کار گرفته می‌شوند. آن وقت با در نظر گرفتن این دو موضوع می‌توان این مسئله را مدیریت کرد. در این شرایط آنها نیز در نقطه خاصی متمرکز نمی‌شوند».

این فعال اجتماعی به ضعف دولت افغانستان در این پروسه نیز اشاره می‌کند: «تقریباً به سال سوم تسلط طالبان بر افغانستان رسیده‌ایم؛ بنابراین انتظار می‌رود دولت طالبان در برابر اتباعش به کشورهای همسایه مهاجرت می‌کنند، مسولیت‌پذیری داشته باشند. صدور اسناد هویتی مانند پاسپورت از طرف این نیروی حاکم در افغانستان خیلی کند در حال اجراست. باید این فرایند تسریع شود تا ما شاهد ورود غیرقانونی کمتری به ایران باشیم».

او تاکید می‌کند که اخراج اتباع بسیار پرهزینه است. با توجه به بازگشت مجدد آنها، به نسبت هزینه‌ای که دولت ایران انجام می‌دهد، برداشت چندانی نمی‌کند. حقیقت‌طلب راه‌حل پایدار حل این موضوع را در دو مسئله می‌داند؛ «اولین موضوع قانونمندکردن حضور آنها در ایران است. درواقع هم ورود و هم حضور آنها باید قانونی شود. همچنین بتوانند به صورت محدود میان ایران و افغانستان رفت و برگشت داشته باشند».

مثلاً مهاجران کاری نباید بیشتر از شش ماه یا یک سال در ایران حضور داشته باشند. اتباعی که از ترس طالبان و در واقع به دلیل پناهندگی و ناامنی به ایران می‌آیند، تعدادشان خیلی زیاد نیست. آنها بیشتر در اوایل تسلط طالبان و در سال ۱۴۰۰ به ایران آمده‌اند. الان اتباعی که وارد ایران می‌شوند، بیشتر مهاجران کاری هستند. این مهاجران باید رفتار قانونمند را یاد بگیرند و نیز باید فرایند را به‌گونه‌ای برای آنها طراحی کنیم که بین ایران و افغانستان در رفت‌وآمد باشند تا در ایران رسوب نکنند و مهاجرت موقت‌شان به مهاجرت دائمی تبدیل نشود».

او شناسایی محل سکونت اتباع در ایران را راهکار دوم در حل پایدار مسئله می‌داند؛ «باید مشخص باشند که یک فرد از

واکاو۱ حضور اتباع افغانستانی در ایران و تحلیل سیاست اخراج آنها در گفت‌وگو با مدیر پژوهش انجمن دیاران

نیازمند راه‌حل پایدار هستیم

اوایل سال ۱۳۹۶ انجمن دیاران با هدف بهبود زیست مهاجران در ایران تأسیس شد؛ انجمنی که می‌کوشد با رویکردی بین‌رشته‌ای در انجام پژوهش‌های مهاجرتی و تغییر نگرش‌های کلیشه‌ای از طریق فعالیت‌های ترویجی، سیاست‌های مهاجرتی کشور را در راستای تحقق منافع ملی بهبود ببخشد. این انجمن مأموریت‌های خود را در دو سطح تعریف کرده است: «تغییر نگرش درباره مهاجران در جامعه ایران» و «مطالعه آسیب‌شناختی قوانین مربوط به مهاجران در ایران».

افغانستان به کجای ایران می‌آید. هنوز این مسئله را حل نکرده‌ایم و کسی که مهاجرت می‌کند هر جایی در ایران که دلش بخواهد می‌رود. اگر این موضوع حل شود یک مرحله جلو افتاده‌ایم».

حقیقت‌طلب معتقد است نباید از این نکته غافل شد که ظرفیت‌های اشتغال خیلی زیادی در افغانستان وجود دارد؛ ظرفیت‌هایی که بالقوه هستند. ایران می‌تواند این ظرفیت را بالفعل کند تا هم نیروی کار افغانستانی در کشور خودش مشغول به کار شود و هم ایران بتواند از طریق صادرات فناوری و دانش کسب درآمد داشته باشد. افغانستان از منظر مواد اولیه صنعتی یکی از غنی‌ترین کشورهای جهان است و فقط باید دانش لازم را به این کشور منتقل کرد تا استعدادهای بالقوه‌اش بالفعل شوند. طبیعتاً ایران نیز از آسیب‌های مهاجرت‌های بی‌رویه در امان خواهد ماند.

بازنمایی جهت‌دار

مدتی است دوباره فضای دوقطبی نسبت به حضور اتباع افغانستانی در ایران شدت گرفته است. فضایی که می‌تواند بازی دو سر باختی را در جامعه رقم بزند. از یک سو نگرانی شهروندان ایرانی از حضور اتباعی که مدارک شناسایی و هویتی ندارند و حضورشان ممکن است خشونت‌هایی را در جامعه رقم بزند، مانند اتفاق هولناکی که برای داریوش مهرجویی و وحیده محمدرفی افتاد و از سوی دیگر برخی آسیب‌ها و بی‌بهری‌های اجتماعی ممکن است متوجه خود این افراد، به‌ویژه کودکان‌شان باشد. حقیقت‌طلب در تشریح این موضوع به نکات مهمی اشاره می‌کند: «بازنمایی مهاجران افغانستانی در ایران بسیار منفی است و ما فقط گروه‌های خاصی از آنها را می‌بینیم؛ درحالی‌که آنها گروه‌های متفاوتی دارند، مانند نسل‌دومی‌ها و نسل‌سومی‌هایشان یا مهاجرانی که در ایران موفق بوده‌اند، پزشک و مهندس و کارآفرین و نخیه هستند یا در سایر مشاغل موفق‌اند. خلاصه اینکه قشر موفق آنها نه در جامعه و نه در رسانه‌ها اصلاً بازنمایی نمی‌شوند که باعث می‌شود تصویر عمومی از افغانستانی‌ها در ایران یک‌بعدی باشد».

حقیقت‌طلب موضوع شفافیت را عنصر مهم دیگری در این زمینه می‌داند؛ «در بیان سیاست‌های مهاجرتی ایران هنوز شفافیتی مشخصی را شاهد نیستیم. نمی‌دانیم در میان‌مدت و درازمدت قرار است چه اقداماتی انجام شود. نمی‌دانیم مزایا و موابه و معایب حضور یا عدم حضور اتباع چیست و از سوی دولت هم اعلام نمی‌شود. فکر می‌کنم اگر در این زمینه شفافیت داشته باشیم کمی وضعیت بهتر شود».

او ادامه می‌دهد: «چیزی که به تجربه در چند دهه اخیر دیده‌ام این بوده که دولت همیشه در عمل انجام‌شده قرار گرفته است. همیشه موج ناگهانی و غافلگیرکننده مهاجران افغانستانی به کشور وارد شده و دولت نتوانسته در این زمینه برنامه‌ریزی کند. همچنین جلوگیری از ورود آنها از مرز ممکن نبوده است. به همین ترتیب مسائل پس از آن هم به شکل دومینواری تکرار شده است».

این فعال اجتماعی اخراج اتباع را یک راه‌حل دمدستی حل موقتی این مسئله می‌داند و معتقد است در این میان کودکان اتباع آسیب‌پذیرترین گروه هستند؛ «کودکی آنها در حال از بین رفتن است. از سرزمین خودشان به سرزمینی دیگر مهاجرت کرده‌اند و به قدر کافی تحت فشار و آسیب هستند. طبیعتاً اخراج از ایران آنها را متوجه آسیب‌های بیشتری خواهد کرد. متأسفانه سازمان‌های بین‌المللی هم در ایران مشارکت کمی دارند. در تأمین هزینه‌های تحصیل و تأمین هزینه بهداشت و نگهداری کودکان مشارکت کمی کرده‌اند و همین موضوع هم قابل بررسی است».

او مهاجرانی را که با تسلط طالبان به ایران پناهنده شده‌اند، گروه دیگری برمی‌شمارد؛ «چند گزینه پیش‌روی این افراد است؛ اینکه بروند در کشوری ثالث و حکم پناهندگی بگیرند یا اگر می‌توانند با طالبان کنار بیایند و در افغانستان دوره جدید کار کنند. باید بازگشت داوطلبانه آنها را تا جای ممکن تسهیل کنیم».

تکید او روری بازگشت داوطلبانه این افراد زیاد است؛ «تا حد ممکن نباید آنها را با اجبار به افغانستان بازگردانیم. این اجبار برای ما هزینه دارد. ضمن اینکه نیاز است کنترل در مرزها برای نظارت بر ورود بیشتر هم شود».

